



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۳/۱۰

دکتور صلاح الدین سعیدی

## پروسه مذاکرات صلح زنان!

اول باید توافق کرد و شناخت که مذاکرات سیاسی و مصالحه سیاسی چیست و بعد به این رسید که پروسه رسیدن به آن کدام است؟

اساس و مبداء مشکل که موجب تشویش های برحق و ناحق شد از همینجا سر چشمه میگردد. این حالت و این مسأله عوامل مختلف دارد که در رأس این عوامل عامل پیشبیرد این سیاست و عمدتاً این پروسه توسط افراد بی کفایت و خود نا آگاه و نابلد به فهم از مسایل اساسی فوق و عدم توانایی مسلکی و در موارد هم قرار اظهارات ایشان به مناسبتهای مختلف عدم تعهد به منافع و مصالح اساسی افغانستان، امر صلح و استقرار و عدم فهم درست شان از دیموکراسی است!

همینکه نماینده یوناما در کابل و عده از چیز فهان تأکید دارند که در مذاکرات صلح با طالبان باید حقوق زنان تلف نه شود از دو حالت خالی نیست: یا مذاکرات را توافق بر مسایل اساسی که حق ملت است در عقب دروازه های بسته و در غیاب ملت میدانند که خطاء است و یا خبر دارد که دارند در غیاب ملت تصمیم اساسی را میگیرند که تصمیم در آن موارد حق ملت است. دزین صورت باز هم کار و توافق خطاء است. پرداختن به سایر مستندات این تأکیدات فوق ایجاب بحث طویل و عریض را دارد، اما من هدفمند باز هم به پاسخ به عنوان مطرح شده میروم.

اگر باور داریم که مذاکره و مصالحه سیاسی ضرورت است نه انتخاب و مذاکره به جانب مقابل خیرات و هدیه نیست بلکه قبول واقعیت های عینی جامعه است و مذاکره نه تسلیم شدن و نه قبول نسخه مقابل و نه هم تلاش تغییر کل آن نسخه ها در وقت مذاکرات است، و تلاش است تا طالب مانند دیموکرات آزاد اندیش طیف اروپایی باندیشد و یا مانند ... این تلاش در وقت مذاکره سیاسی خطاء است. این تلاش را باید به وقت و محل دیگر حفظ کرد.

پس مذاکره و مصالحه چیست؟

خطوط سرخ ما کدام و خطوط سرخ قابل عدم عبور رسیدن به صلح و استقرار با عزت یعنی چه و کدام مسأله در کدام وقت و زمان و با کی باید مطرح کرد؟  
ما چنانچه عده از مسوولین حتی درجه اول جوانب مختلف و حتی جهانی اظهار میدارند، به هر قیمت به صلح و استقرار رسیدن نمی خواهیم.

حفاظت از ناموس و عزت وطن باید باشرف وبدون شک و تردید مورد معامله قرار نه گیرد و ضرورت نیست همه در مورد تعریف آن موافق باما و موافق باشند. مهم این است که ما خود این تعریف و مشخصات آنرا بدانیم و با آن باور داشته و از آن عبور و تخطی نه کنیم.

تأکیداً میخواهم بگویم که مذاکره و مصالحه سیاسی و رفتن به آن به هیچ صورت تخطی ازین معتقدات نیست و نه هم باید باشد. من باور دارم که الله ج یک و پیغمبرش برحق است، درین اعتقاد با کس در مذاکره و مفاهمه که من را به عکس آن وادارد مذاکره و مصالحه کند، ندارم.

اعتقاد من به حقوق زن و دست آورد من، قانون اساسی من و یا امارت اسلامی و آزادی و ... نباید در مذاکرات و مصالحه سیاسی و در عقب درهای بسته، در کنفرانسها و در معامله احمد با محمود مورد سوال قرار گیرند. این موارد نه صلاحیت من است و نه محل و وقت بحث آن در سر میز مذاکرات صلح است. با گذشت و تخطی درین موارد من به شهدا و قربانیان خویش در چنین گذشت و درین راه توهین کنم و با خیر است خیر است و گذشته را صلوات و به ... و به این ترتیب ما به خیانت و بی عزتی خود و اعتقادات خود برویم و یا از دیگران چنین توقع برد، کار درست نیست.

پس مذاکره و مصالحه یعنی چه و کدام پروسه را باید تعقیب کرد؟

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولی

این بسته اولاً باید در کل توافق شود. دولت و حاکمیت کابل را نمی پذیریم اما مذاکره میکنم، خروج عساکر خارجی را بحث میکنیم اما غیر از خود و چند انتخاب انگشت شمار را قبول و غیر از حاکمیت مطرح خود دیگر چیزی را نمی پذیریم و ... التماساتوم دادن با مطالبه غیر مشروع یعنی جنگ و در آن صورت ملت را در حالت شفاف قرار دادن که همه بر متجاوز و متخلف و نابود کردن آن متفقاً کار با اعتقاد کنند .

ممکن است بخاطر رفع لجاجت بی مورد و رسیدن به صلح و استقرار با عزت فرصت داد که مذاکرات در هر سطح ممکن و در میان هر جانب و یا بخش از جوانب آغاز و تفاهات مقدماتی صورت بگیرد. مذاکره طالب با جانب امریکایی به نحوی همین راه را تعقیب میکند.

ما باید مرحله به مرحله و بعد از اعتماد سازی از پله های اولی آغاز کنیم و به مراحل بعدی برویم. مراحل اولی بعد از اعتماد سازی کدام اند؟

تلاش برای اجماع تمام واقعیت های عینی در نتیجه سیاسی، توافق بر پایان دادن حضور نیروهای نظامی خارجی، تضمین های عدم مداخله بعدی نظامیان خارجی و عدم بازگشت ایشان، نقش سازمان ملل متحد در پروسه صلح و استقرار و نقش ایشان در حاکمیت مردم است. پروسه کدام است؟

قانون اساسی را قبول کن، حقوق زنان را قبول کن، دیموکراسی و دست آوردهای ۱۸ ساله را قبول کن، امارات اسلامی را قبول کن، بیرق و سرود ملی را قبول کن، فدرالی را قبول کن، صدارتی را قبول کن، قانون اساسی را لغوه کن، کمیته قانون اساسی را قبول کن، عسکر خود را خارج کن و ...!

این بحث ضیاع وقت و فیصله در محل غیر و در وقت نامناسب و توسط افراد است که صلاحیت شان نیست . مصالحه و مذاکره متمدن ساختن مبارزه سیاسی است که عوض تفنگ در مبارزه ملت تصمیم گیرنده اصلی شود .

مصالحه و مذاکره جستجوی راه است که به هدف حاکمیت و تصمیم گیرنده شدن ملت و در حالت ما ملت مسلمان افغان چگونه تصمیم گیرنده اصلی شود !

در مذاکره و مصالحه صرف و صرف توافق به است و در آن نه حقوق زن و نه مرد و نه امارت اسلامی و نه قانون اساسی فیصله میشود. درین بحث ها روش های انقلابی که نفی همه چیز گذشته است و از دوم روش متمدن و سازنده. من ، عقل سلیم و انسان خیر خواه از روش متمدن را انتخاب میکند. مزه انقلابها، توقف و خالی قانون را مردم جهان و ما دیدیم و تجربه کردیم و از تکرار آن نفرت داریم.

عقل سلیم باید پیروز شود و ما باید این پروسه را مساعدت کنیم . چطور؟ منطق خیر را تکمیل و تکثیر کنید. این یکی از راههای آسان خدمت به حق و ادای رسالت است . و السلام علی من اتبع الهدی .